

موضوعات نگاری در شیعه؛ توصیف و تحلیل

مهدی مهریزی^۱

سید محمدرضا حسینی^۲

چکیده

این مقاله می‌کوشد آماری از مکتوبات عالمان و نویسندگان شیعی در زمینه موضوعات ارائه کند و سپس آنها را توصیف و تحلیل نماید. بر این پایه، در این مقاله پانزده اثر در موضوعات معرفی و توصیف شده است و در مقام تحلیل به دو پرسش، پاسخ داده شده است: یکی این که این آثار چگونه دسته‌بندی می‌شود و توسط چه جریان‌های فکری تألیف شده است. در مقام پاسخ، این کتاب‌ها به سه گروه تقسیم شده و بیشترین تألیف توسط کسانی صورت گرفته که در جامعه سنتی شیعه چندان مقبولیت فکری ندارند و پرسش دوم، این که چرا تعداد آثار تألیفی شیعه در زمینه موضوعات نگاری کمتر از اهل سنت است و نیز چرا از نظر زمانی دیرتر به این امر اقدام کرده‌اند. در مقام پاسخ، پنج عامل شامل: بالایش احادیث شیعه، قلت نزاع‌های درون مذهبی، عدم انضمام احادیث ضعیف به احادیث موضوع، خود سانسوری فرهنگی و کمی عده و عده شیعیان گوشزد شده است. کلیدواژه‌ها: موضوعات نگاری، شیعه، احادیث موضوع.

درآمد

یکم. پدیده جعل و وضع به حوزه فرهنگ اسلامی و احادیث آن اختصاص ندارد، بلکه جعل و وضع همان دروغ است که در عرصه روایات اسلامی با نام جعل و وضع شناخته می‌شود.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

۲. استادیار دانشگاه پیام نور، واحد قم.

برای شناخت پدیده وضع و جعل و اسباب و زمینه‌هایش و تاریخ آن در فرهنگ بشری باید دروغ و دروغگویی را شناخت.

چرا دروغ به زندگی بشر راه یافت؟ و از کی آغاز شد؟ چرا انسان‌ها به دروغ رو آوردند و چه عللی داشت؟ آیا به یک فرهنگ و جغرافیا و منطقه اختصاص دارد و یا امری شایع و رایج در فرهنگ بشری بوده است؟

دست‌یابی به پاسخ این پرسش‌ها، پاسخ بسیاری از پرسش‌ها در حوزه جعل و وضع حدیث را نیز به دنبال دارد.

پدیده جعل و وضع در احادیث اسلامی فی الجمله امری مسلم و مورد اتفاق است. لکن باید ابعاد مسأله به صورت دقیق‌تر تحریر گردد. برای این منظور می‌توان گفت دوره‌هایی که محتمل است جعل و وضع در آن صورت گرفته باشد، عبارت‌اند از:

۱. جعل و وضع در زمان حیات پیامبر - صلی الله علیه و آله - و امامان شیعه علیهم السلام؛

۲. انتقال احادیث موضوع به کتاب‌ها و مصادر اصلی حدیثی مانند کتب اربعه؛

۳. جعل و وضع و دس در کتاب‌های اصلی حدیثی؛

۴. جعل و وضع پس از کتاب‌های اصلی تا دوره معاصر.

برای روشن شدن دقیق محل نزاع می‌توان چنین پرسید: کدام یک از این چهار دوره مورد اتفاق یا انکار و یا تردید است؟

به نظر می‌رسد تمام محققان مسلمان به وجود جعل و وضع در مرحله اول اذعان دارند. نقل این سخن از پیامبر - صلی الله علیه و آله - که دروغگوها بر من بسیار شدند، گواه بر این امر است؛ چنان که سخنان منقول از امامان شیعه - علیهم السلام - در مخالفت با برخی افراد و طرد و مذمت آنها مانند ابو الخطاب بر این حقیقت گواهی می‌دهد.

محور دوم از موارد اختلاف جدی میان اخباریان و دیگران است. اخباریان بر این عقیده‌اند که کتاب‌ها و مصادر اصلی از جعل و وضع مبرا و منزه‌اند و عامل آن را تلاش مؤلفان، نظارت ائمه - علیهم السلام - و لطف و امدادهای غیبی می‌دانند، ولی مخالفان اخباری‌ها چنین نظری نداشته و بر وجود احادیث نادرست و راه یافتن آنها به این کتاب‌ها تأکید دارند؛ گرچه بین آنها در مقدار و میزان آن اختلاف نظر جدی وجود دارد.

محور سوم نیز کم و بیش مورد گفت و گواست، ولی به یک مسأله جدی پژوهشی تبدیل نشده است؛ گرچه جای پرداختن جدی به آن وجود دارد.

محور چهارم، یعنی جعل و وضع پس از کتاب‌های اصلی و از حدود قرن چهارم به بعد نیز مانند محور دوم محل گفت و گواست. آن گاه که سخن از جعل حدیث توسط فرقه‌ها و جریان‌های اسلامی می‌شود، مانند احادیث عرفانی و صوفیانه ناظر به این مرحله است. بنا بر این، محل نزاع از میان چهار محور یاد شده، دوره دوم و چهارم است؛ یعنی انتقال احادیث مجعول و نادرست در دوره حضور به کتاب‌های حدیثی اصلی و مشهور و نیز جعل و وضع پس از تدوین کتاب‌های اصلی و مصادر نخستین.

دوم. پس از روشن شدن مسأله و تحریر آن، نوبت به این امر می‌رسد که مقایسه حدیث شیعه و اهل سنت، از حدود قرن چهارم به این سو، تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد که یکی از آن تفاوت‌ها به میزان پرداختن عالمان دو مذهب به پدیده جعل و وضع برمی‌گردد.

اهل سنت موضوعات نگاری را از قرن پنجم آغاز کرده‌اند و کتاب‌های متعددی تا زمان حاضر در استخراج و شناساندن این احادیث تألیف شده است. عناوین این کتاب‌ها به بیش از یکصد می‌رسد؛ کتاب‌هایی مانند: *اطراف احادیث کتاب المجروحین لابن حبان* محمد طاهر مقدسی (۴۴۸-۵۰۷ق)، *الاباطیل والمناکیر والمشاهیر* جورقانی (۴۷۰-۵۴۳ق)، *الموضوعات* ابن جوزی (۵۱۲-۵۹۷ق)، *موضوعات الصغانی* (۵۵۷-۶۵۰ق)، *المنار المنیف* ابن قیم (۶۹۱-۷۵۱ق)، *اللئالی المصنوعة سیوطی* (۸۴۵-۹۱۱ق)، *المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع ملا علی قاری* (م ۱۰۱۴ق)، *سلسلة الاحادیث الضعیفه و الموضوعه* ناصر الدین آلبانی (۱۳۳۲-۱۴۲۰ق). و البته این روال هنوز ادامه دارد.

اما در میان عالمان شیعه موضوعات نگاری مشهود نیست؛ با این که در لایه لای کتاب‌های کلامی، تفسیری و فقهی شیعه عالمانی چون: محمد بن حسن ولید^۳ (قرن ۴)، و شیخ صدوق^۴ (م ۳۸۱ق)، شیخ مفید^۵ (م ۴۱۳ق)، سید مرتضی^۶ (م ۴۳۶ق)، شیخ طوسی^۷ (م ۴۶۰ق)، علامه حلی^۸ (م ۷۲۶ق)، شهید ثانی^۹ (م ۹۶۶ق)، فیض کاشانی^{۱۰} (۱۰۰۶-

۳. الفهرست، طوسی، ص ۷۱، ش ۲۸۹ و ۲۹۰.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۹ - ۲۹۰، ح ۳۴: الاعتقادات فی دین الامامیه، ص ۲۲ و ص ۱۱۵ - ۱۱۶، رجال ابن داود، ص ۷۱، ۱۰۰ و ۲۴۶.

۵. تصحیح الاعتقاد، ص ۱۴۷ و ص ۱۴۹ - ۱۵۰.

۶. امالی المرتضی، ج ۲، ص ۲۴۹ - ۲۵۱.

۷. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۶۷، ح ۴۹ و ص ۱۶۹ - ۱۷۱، ح ۱۶۹.

۸. خلاصه الاقوال، ص ۴۰۴ - ۴۰۵، ش ۱۶۳۴.

۹. مسالک الافهام، ج ۷، ص ۳۹.

۱۰۹۱ق)، میرزای قمی^{۱۱} (۱۱۵۰-۱۲۳۱ق)، کاشف الغطاء^{۱۲} (۱۲۹۴-۱۳۷۰ق)، علامه طباطبایی^{۱۳} (۱۲۷۹-۱۳۶۰ش)، امام خمینی^{۱۴} (۱۲۷۹-۱۳۶۸ش) و آیه الله خویی^{۱۵} (۱۲۷۸-۱۳۷۱ش) بارها و بارها بر وجود چنین احادیثی تصریح کرده‌اند.

به سخن دیگر، با وجود تصریح به وجود احادیث مجعول و ساختگی و ضعیف و نادرست، تألیفاتی در میان عالمان شیعه تا دوره معاصر به چشم نمی‌خورد.

بلی دو کتاب در سال ۱۳۹۰ق، یعنی ۴۵ سال قبل در ایران و لبنان به چاپ می‌رسد: کتاب الاخبار الدخيلة از علامه شوشتری در تهران و کتاب الموضوعات فی الاخبار والآثار از هاشم معروف الحسنی در بیروت.

پرسش اصلی که این مقاله می‌خواهد بدان پاسخ دهد، همین است که این کمی و تأخیر در نگارش الموضوعات چه دلیلی دارد؟

سوم. کتاب‌هایی از سوی عالمان شیعه تألیف شده که مستقیماً به جدا کردن احادیث موضوع و ضعیف نمی‌پردازد، ولی به دلالت التزامی، به جدایی آن گونه از روایت‌ها دلالت می‌کند.

سابقه تألیف این دسته از کتاب‌ها به قرن یازدهم برمی‌گردد؛ از قبیل: منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان، حسن بن زین الدین عاملی (م ۱۰۱۱ق) و نیز کتاب: صحیح الکافی و صحیح من لایحضره الفقیه از آقای محمد باقر بهبودی و نیز کتاب‌های مشرعة بحار الانوار و الجواهر المنتخبة فی الاحادیث المعتبرة از آیه الله آصف محسنی.

نویسندگان این کتاب‌ها دغدغه شناسایی و تفکیک احادیث درست از نادرست را داشته و لکن به جنبه ایجابی مسأله پرداخته‌اند.

در این مقاله به این دسته از کتاب‌ها نپرداخته‌ایم.

چهارم. در پانزده سال اخیر، با شکل‌گیری مراکز آموزشی حدیث و نیز نشر مجله‌های ویژه حدیث، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی در حوزه جعل و وضع نگارش یافته است که در این

۱۰. الوافی، ج ۲، ص ۷۳۴.

۱۱. جامع الشتات، ص ۸۱۸ - ۸۱۹ و ۸۲۳.

۱۲. الارض و التربة الحسنیه، ص ۲۷.

۱۳. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۴۹ و ج ۶، ص ۲۸۹.

۱۴. انوار الهدایة فی التعليقة علی الکفایة، ج ۱، ص ۲۴۴ - ۲۴۵؛ کتاب البیع، ج ۵، ص ۳۵۲ - ۳۵۳.

۱۵. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۶ و ص ۹۳.

مقاله از معرفی آنها خودداری شده، به فرصت دیگری واگذار می‌گردد.
 پنجم. با توجه نکات پیش گفته، این مقاله تلاش می‌کند آنچه را عالمان شیعه درباره
 الموضوعات به عنوان کتاب‌های مستقل تألیف کرده‌اند، معرفی کرده و سپس به تحلیل
 آن پردازد. از این رو، مطالب این مقاله در دو بخش سامان یافته است:

۱. کتابشناسی توصیفی،
۲. تحلیل موضوعات نگاری در شیعه.

یک. کتابشناسی توصیفی

اگر با نگاهی موسع به کتاب‌های به چاپ رسیده در باب الموضوعات توسط عالمان
 شیعه نگرسته شود، فهرستی بدین صورت به دست می‌آید که به ترتیب نگارش و نشر
 چنین است:

۱. ابوهریره، عبدالحسین شرف‌الدین (۱۲۹۰-۱۳۳۷ق)،
۲. الغدير، ج ۵، علامه عبدالحسین امینی (۱۲۸۱-۱۳۴۹ش)،
۳. الاخبار الدخيلة، محمد تقی تستری (۱۲۸۲-۱۳۷۴ش)،
۴. ابوهریره، محمود ابوریة (۱۳۰۶-۱۳۰۹ق)، ترجمه محمد وحید گلپایگانی (۱۳۰۵-
 ۱۳۸۳ش)،
۵. خمسون ومائة صحابی مختلق، علامه سید مرتضی عسکری (۱۲۹۳-۱۳۸۶ش)،
۶. الموضوعات في الأخبار والآثار، هاشم معروف الحسنی (۱۹۱۹م-۱۴۰۳ق)،
۷. زیارت و زیارت نامه، حیدر علی قلمداران (۱۲۹۰-۱۳۶۸ش)،
۸. عرض اخبار اصول، سید ابو الفضل برقی (۱۲۸۷-۱۳۷۰ش)،
۹. حدیث‌های خیالی در مجمع البیان، نعمت الله صالحی نجف‌آبادی (۱۳۰۲-
 ۱۳۸۵ش)،
۱۰. الحدیث النبوی بین الروایة والدراية، آية الله جعفر سبحانی (۱۳۰۷ش - ...)،
۱۱. نقد کتب حدیث، سید مصطفی حسینی طباطبایی (۱۳۱۴ش - ...)،
۱۲. درسنامه وضع حدیث، ناصر رفیعی محمدی (۱۳۴۴ - ...)،
۱۳. معیارهای شناخت احادیث ساختگی، قاسم بستانی،
۱۴. تهذیب احادیث الشيعة، احمد القبانچی،
۱۵. وضع و نقد حدیث، عبد الهادی مسعودی (۱۳۴۳ - ...).

اینک به معرفی اجمالی این آثار پانزده‌گانه و سپس دسته‌بندی آن می‌پردازیم.

۱. ابوهریره

این کتاب را در سال ۱۳۶۵ق، در بیروت منتشر شد و ترجمه فارسی آن، با عنوان /ابوهریره و احادیث ساختگی از سوی آقای نجفعلی میرزایی در سال ۱۳۷۲ش، در رقم منتشر شد.

کتاب از یک پیش‌گفتار و هیجده فصل و یک خاتمه تشکیل شده است. فصول یک تا نه و نیز فصل هیجدهم به شرح زندگانی او اختصاص دارد و در سایر فصل‌ها حدیث او بررسی می‌شود.

فصل یازدهم - که مفصل‌ترین فصل کتاب است - چهل حدیث ابوهریره را مورد نقد و بررسی قرار داده و نادرستی آنها را به اثبات رسانده است.

۲. الغدير^{۱۶}

علامه امینی در جلد پنجم کتاب الغدير در بحثی تفصیلی حدود دویست صفحه به معرفی دروغگویان و جاعلان حدیث می‌پردازد. ایشان در این فهرست از ۷۰۲ راوی بر اساس منابع اهل سنت یاد می‌کند که متهم به کذب و جعل شده‌اند. پس از آن به موضوعاتی که جعل در آن صورت گرفته، به ویژه مسأله خلافت اشاره می‌کند و نمونه‌هایی از این‌گونه احادیث را از کتب اهل سنت می‌آورد.

۳. الاخبار الدخيلة

علامه محمد تقی شوشتری این کتاب را با تنظیمات و تعلیقات استاد علی اکبر غفاری در سال ۱۳۹۰ق، در تهران به چاپ رسانید. کتاب از سه باب تشکیل شده است:

الباب الاول. فی الأحادیث المحرّفة،

الباب الثانی. فی الأخبار الموضوعة،

الباب الثالث. فی الأدعية المحرّفة والموضوعة.

باب اول حاوی دوازده فصل و باب دوم حاوی چهار فصل و باب سوم حاوی دو فصل

است.

۱۶. این کتاب بارها به چاپ رسیده است که مشخصات یکی از چاپ‌های تحقیق شده آن چنین است: الغدير فی الكتاب والسنة والادب، قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلامية، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۵م.

ایشان در سال‌های بعد سه جلد دیگر با همین ساختار با عنوان مستدرک الأخبار الدخیلة به این کتاب اضافه کرد و به چاپ رسانید.

این کتاب مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفت و نقد و تحلیل‌هایی بر آن نگارش یافت که فهرست آنها از این قرار است:

۱. «التقود اللطيفة»، آية الله صافی، مجله نور علم، ش ۲۲، ص ۱۳۵؛ و ش ۲۳، ص ۱۲۹؛ ش ۲۴، ص ۱۶۱،

۲. «معیارهای شناخت احادیث موضوعه در الأخبار الدخیلة»، شادی نفیسی، آینه پژوهش، ش ۵۹، ص ۲۶،

۳. «معیارهای نقد دعا در الأخبار الدخیلة»، شادی نفیسی، آینه پژوهش، ش ۵۳، ص ۴۴،

۴. «سیری در کتاب الأخبار الدخیلة»، عبدالمهدی جلالی، علوم حدیث، ش ۵، ص ۱۵۴؛ ش ۹، ص ۲۸۴،

۵. «روش علامه شوشتري در نقد سند»، شادی نفیسی، علوم حدیث، ش ۱۰، ص ۷۱،

۴. بازگان حدیث شیخ المضیرة، أبوهریرة

این کتاب تألیف محمود ابوریة از روشنفکران اهل سنت است که توسط محمد وحید گلپایگانی و با عنوان بازگان حدیث به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۴۳ ش، در تهران توسط کتابفروشی محمدی به چاپ رسیده است. کتاب دارای نظم و ساختار مشخص و فصل بندی نیست، بلکه مطالبی در باره زندگی ابوهریره، و نمونه‌های فراوانی از روایات نادرست وی را آورده و نادرستی آن را نشان می‌دهد.

۵. خمسون و مائة صحابی مختلق

علامه سید مرتضی عسکری این کتاب را در تکمیل و ادامه اثر دیگر خود، عبدالله بن سبا - که آن را در سال ۱۳۷۵ ق، به چاپ رسانید - نوشت. از این ۱۵۰ صحابی، بیست و سه تن را در تاریخ ۱۳۸۹ ق، به قلم آورده و در همان سال در بغداد منتشر شد. ترجمه فارسی آن در ایران توسط آقای عطاء محمد سردارنیا در سال ۱۳۵۵ ش به چاپ رسید.

تمام صحابیان دروغین - که در این کتاب معرفی شده‌اند - عبارت‌اند از: فقعاع بن عمرو تمیمی، عاصم بن عمرو تمیمی، اسود بن قطبه تمیمی، ابومفزر تمیمی، نافع بن اسود تمیمی، عفیف بن منذر تمیمی، زیاد بن حنظله تمیمی، حرمله بن مربوطه

تمیمی، حرمله بن سلمی تمیمی، بیع بن مطر بن ثلج تمیمی، ربیع بن افکل تمیمی، اُط بن ابی اُط، سعید بن خفاف تمیمی، عوف بن علا جشمی تمیمی، اوس بن جذیمه تمیمی، سهل بن منجاب تمیمی، وکیع بن مالک تمیمی، حصین بن نیار حنظلی تمیمی، زر بن عبدالله الفقیمی، اسود بن ربیع حنظلی، حارث بن ابی هاله تمیمی، زبیر بن ابی هاله تمیمی، طاهر بن ابوهاله تمیمی.

ظاهراً این کتاب از سوی نویسنده ادامه نیافت و ۱۲۷ صحابی دیگر معرفی نشدند.

۶. الموضوعات فی الأخبار والآثار

این کتاب نوشته سید هاشم معروف الحسنی، از علمای برجسته شیعی لبنان است که در سال ۱۳۹۰ق، برای اولین بار و سپس در ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م در بیروت منتشر شد. هم‌چنین در سال ۱۴۲۹ق / ۲۰۰۹م با تحقیق آقای اسامه الساعدی منتشر شد. ترجمه فارسی آن با عنوان اخبار و آثار ساختگی توسط جناب آقای حسین صابری از سوی بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی در سال ۱۳۷۱ش، به چاپ رسید.

نویسنده کتاب را در چهار فصل ترتیب داده است:

فصل نخست به تفسیر سنت و سیر تحول آن می‌پردازد. فصل دوم به تعامل مؤلفان علوم اسلامی با حدیث اختصاص دارد. در فصل سوم تاریخچه دروغ‌سازی را بیان می‌کند و در فصل چهارم نمونه‌هایی از احادیث ساختگی را در کتب شیعه و اهل سنت در موضوع فضایل و مثالب معرفی می‌کند. وی ۲۹ حدیث در منقصت و ۱۱۳ حدیث در فضایل آورده است.^{۱۷}

نویسنده در مقدمه، پس از اشاره به پیدایش جعل در احادیث و تردید خود در انتشار کتابی در زمینه الموضوعات، هدف از تألیف را دو امر می‌داند:

الاول منها: لنقول لاولئك الذين حاولوا ولا يزال احفادهم يحاولون مسخ التشيع من خلال بعض المرويات في كتب الحديث لنقول لهم: ان كتب الحديث الموجودة بين ايدي الشيعة فيها الصحيح والفاقد، لانها من صنع الانسان الذي يخطيء ويصيب وتستبد به الاهواء والاغراض فتكيفه كما تشاء.

والثاني لتنزيه الائمة الطاهرين مما الصق بهم زوراً و بهتاناً، و بيان الاخطار التي تكمن

۱۷. مقاله‌ای در معرفی ترجمه این اثر در آینه پژوهش، ش ۴۰، مهر-آبان ۱۳۷۵، ص ۴۷-۴۵.

فی التغاضی عن بعض الاحادیث و المتاجرة فیها علی حساب الدین.^{۱۸}

۷. زیارت و زیارتنامه

زمان تکثیر این کتاب - که تاریخ نشر ندارد و به صورت غیر رسمی تکثیر شده - پس از انقلاب اسلامی است. نویسنده (حیدرعلی قلمداران) پس از مقدمه‌ای انتقادی در باب زیارت، بحثی را با عنوان «ضعف روایات زیارت کتب ائمه رجال» مطرح می‌کند و نام ۴۴ راوی ضعیف و ناشناخته را - که ناقل این احادیث هستند - با معرفی اجمالی برمی‌شمارد. سید ابو الفضل برقعی تکمله‌ای بر این قسمت دارد و این تعداد را به ۱۶۲ راوی می‌رساند.

به این کتاب، یک سخنرانی و یک مقاله از نویسنده نیز ضمیمه شده است. کتاب بخش دومی با عنوان خرافات و فوور در زیارات قبور، از سید ابو الفضل برقعی دارد که تعداد زیادی از زیارت‌نامه‌ها را مورد نقد سندی و متنی قرار داده است. این کتاب در ۳۶۷ صفحه وزیری، صفحه‌آرایی شده است. سید ابو الفضل برقعی در پایان کتاب این تاریخ را ثبت کرده است: ۱۳۶۰/۹/۲

۸. عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول

این کتاب حجیم و پُر صفحه [۹۰۵ صفحه] نشر رسمی نیافته است، اما تلخیص آن تعریف شده و با عنوان کسر الصنم^{۱۹} در کشورهای عربی به چاپ رسیده است. عقیده نویسنده (سید ابو الفضل برقعی) آن است که بزرگ‌ترین مانع ترقی و سعادت، سودجویی و دکانداری از جانب دین است و این امر را در همه مذاهب ساری و جاری می‌داند. به باور نویسنده، او در این کتاب تنها بر پایه یک مذهب حرکت کرده است و هدف خود را شناساندن احادیث مغایر قرآن و قواعد عقلی می‌داند. وی در این اثر ۱۸۷ باب از جلد اول *اصول الکافی* را با هدف یاد شده بررسی کرده و نقطه نظرات خود را باز گفته است.

گفتنی است که نویسنده، در دیگر کتاب‌هایش (از جمله: احکام اسلام از متن قرآن) نیز فصولی را به نقد احادیث، زیارات و برخی ادعیه اختصاص داده است.

۱۸. الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۳۹ - ۳۸.

۱۹. کسر الصنم، مترجم: عبدالرحیم ملازاده البلوشی، اردن: دار البیارق، ۱۹۹۸ م / ۱۴۱۹ ق / ۱۳۷۷ ش. هم‌چنین در دوحه و عمان نیز به چاپ رسیده است.

۹. حدیث‌های خیالی در مجمع البیان

کتاب حدیث‌های خیالی توسط انتشارات کویر تهران در سال ۱۳۸۲ ش، منتشر شده است.

این کتاب حاوی پنج مقاله است. نام مقاله نخست، عنوان کتاب قرار گرفته که طولانی‌ترین بخش کتاب است.

عناوین چهار مقاله دیگر عبارت است از:

۱. تفسیر آیات: ۶۷ - ۶۹ سوره انفال و ۴ سوره محمد،

۲. ناسخ بودن آیه ۱۸۷ از سوره بقره: «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ»،

۳. دو نزول برای قرآن،

۴. بررسی روایت طلحة بن زبیر در ذیل آیه محاربه (سوره مائده، آیه ۳۳ - ۳۴).

ایشان در مقاله «حدیث‌های خیالی» بیست مورد از اشتباهات طبرسی صاحب مجمع البیان را بر می‌شمرد. به گمان نویسنده، صاحب مجمع البیان ابو جعفر طبری را با ابو جعفر امام باقر - علیه السلام - اشتباه گرفته است. وی در ادامه می‌نویسد:

در جایی که عالم بزرگی مانند طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان در بیست مورد نظر ابو جعفر طبری مفسر مشهور را اشتباهاً به عنوان حدیث امام محمد باقر - علیه السلام - تلقی کرده و آن را به نام روایت منقول از امام معصوم آورده است، آیا وضعیت سایر روایات چگونه است؟^{۲۰}

و در ادامه نمونه‌هایی از جعلیات در احادیث و نیز مجعول بودن تفسیر منسوب به امام حسن عسکری - علیه السلام - سخن می‌گوید.^{۲۱} گفتنی است که نویسنده، پیش از این کتاب، در دیگر آثارش (از جمله: شهید جاوید و عصای موسی) به نقد و وضع‌شناسی در عرصه احادیث، توجه نشان داده و نمونه‌هایی را بررسی کرده است.

۱۰. الحدیث النبوی بین الروایة والدرایة

این کتاب در سال ۱۴۱۹ قمری توسط مؤسسه الامام الصادق قم به چاپ رسیده است.

۲۰. حدیث‌های خیالی، ص ۸۱.

۲۱. یادآوری می‌شود بر این مقاله نقدی با این مشخصه‌ها به چاپ رسیده است: «احادیث خالی یا شواهد خیالی»، علی‌زاده، فصلنامه علوم حدیث، ش ۳۵ - ۳۶ بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۴۹ - ۱۲۵.

نویسنده کتاب (حضرت آیه الله جعفر سبحانی) در این نوشته به ارزیابی و نقد روایات چهل تن از صحابه بر پایه نقد متن، یعنی عرضه حدیث بر قرآن، سنت متواتر، عقل سلیم، مسلمات اسلامی و تاریخ صحیح پرداخته است. وی نادرستی نمونه‌هایی از روایات منسوب به این صحابی‌ان را نه از راه بررسی سند، بلکه از راه بررسی متن مورد توجه قرار می‌دهد. ایشان در مقدمه کتاب نوشته است:

ولا ندعی اننا استوفینا البحث فی اکثر الروایات الموضوعه، فضلاً عن جمیعها، وانما قدمنا للقاری الکریم انموذجاً من تلک الروایات التی عزیت الی اربعین صحابياً، عسی ان تكون فاتحة خیر لمساهمات لاحقة من قبل الباحثین فی هذا المضمار.^{۲۲}

صحابیان را از معاذ بن جبل (۲۰ قبل از هجرت - ۱۸ق) آغاز و به عامر بن وائله، (۲ - ۱۰۷ق) ختم می‌کند.

گفتنی است تمام روایات نمونه از مصادر و منابع اهل سنت انتخاب شده است.

۱۱. نقد کتب حدیث

این کتاب، چنان که نویسنده (سید مصطفی حسینی طباطبایی) در پایان مقدمه آورده، در ۱۴۲۱ق / ۱۳۷۹ش، نگاشته شده و ظاهراً، چاپ رسمی نشده است. کتاب به زبان فارسی و در ۱۶۴ صفحه و زیری صفحه‌آرایی شده است.

نویسنده در مقدمه اشاره می‌کند که اهل سنت کتب بسیاری در معرفی و شناسایی احادیث جعلی نگاشته‌اند، اما شیعه امامیه در قرن‌های گذشته به نگارش کتاب مستقلی در باب احادیث دروغین - که به ائمه اهل بیت - علیهم السلام - نسبت داده شده - نپرداخته‌اند. و تنها از کتاب الأخبار الدخیله علامه محمد تقی شوشتری یاد می‌کند. کتاب دارای چهارده فصل است که عناوین آنها عبارت‌اند از:

فصل ۱. اخباری که بر جعل حدیث گواهی می‌دهند،

فصل ۲. گواهی بزرگان امامیه در باره احادیث ساختگی،

فصل ۳. انگیزه‌های جعل حدیث،

فصل ۴. شیخ کلینی و کتاب الکافی،

فصل ۵. نقد احادیث شیخ کلینی،

فصل ۶. شیخ صدوق و کتاب هایش،

۲۲. الحدیث النبوی بین الروایة والدراية، ص ۷.

- فصل ۷. نقد احادیث شیخ صدوق،
- فصل ۸. محمّد باقر مجلسی و آثار وی،
- فصل ۹. نقد آثار مجلسی،
- فصل ۱۰. حُرّ عاملی و آثار وی،
- فصل ۱۱. نقد احادیث وسائل الشیعة،
- فصل ۱۲. نقد احادیث تفسیری،
- فصل ۱۳. نقد کتب دعا و زیارت،
- فصل ۱۴. احادیث ساختگی و شناخت آنها.

نویسنده در هر قسمت نمونه‌هایی از روایت‌ها را آورده و بر مبنای خود شواهد و ادله‌ای بر نادرستی آنها ذکر می‌کند.

۱۲. درسنامه وضع حدیث

این کتاب در سال ۱۳۸۴ ش، از سوی مرکز جهانی علوم اسلامی به عنوان متن درسی برای دوره کارشناسی ارشد علوم حدیث نگارش یافته است. کتاب به زبان فارسی و در ۳۰۴ صفحه وزیری طراحی شده است. قالب کتاب درسی است و در چهارده درس سازمان دهی شده است. در پایان هر درس چکیده و پرسش و پژوهش ارائه شده است.

عناوین دروس عبارت‌اند از:

۱. کلیات،
۲. شواهد وقوع وضع و علل گسترش آن،
۳. انگیزه فرهنگی ۱،
۴. انگیزه فرهنگی ۲،
۵. انگیزه مالی و دنیوی،
۶. انگیزه خیرخواهانه،
۷. شیوه‌های وضع حدیث،
۸. ثمرات رویارویی با وضع حدیث،
۹. نشانه‌های حدیث موضوع ۱،
۱۰. نشانه‌های حدیث موضوع ۲،
۱۱. نشانه‌های حدیث موضوع ۳،

۱۲. نشانه‌های حدیث موضوع ۴،

۱۳. تعبیرشناسی احادیث موضوع و واضعان،

۱۴. تأثیر وضع بر فرهنگ اسلامی.

پایان بخش کتاب، «کتابشناسی الموضوعات» است و ۴۸ اثر در این زمینه به اختصار معرفی شده است. این کتاب به مباحث نظری وضع پرداخته و عمده مثل‌ها و نمونه‌هایش از منابع اهل سنت است.

۱۳. معیارهای شناخت احادیث ساختگی

این کتاب در سال ۱۳۸۶ ش، از سوی نشر رسش در اهواز به چاپ رسیده و پایان‌نامه دکتری نویسنده است که در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه تربیت مدرس تهران دفاع شده است.

کتاب در هشت فصل بدین ترتیب تنظیم شده است:

۱. تعریف وضع و احکام آن،

۲. پیشینه وضع حدیث،

۳. موضع‌گیری بزرگان دین نسبت به وضع حدیث،

۴. زمینه‌ها، علل، شیوه‌ها، منابع وضع حدیث و مضامین احادیث موضوع،

۵. نقد حدیث و شیوه‌های کلی آن،

۶. ملاک‌ها و معیارهای وضع حدیث،

۷. استقراء ابواب،

۸. ارزیابی میراث حدیثی مسلمانان.

یادآوری می‌شود که نویسنده نمونه‌ها را از کتب شیعه و اهل سنت آورده است.

۱۴. تهذیب احادیث الشیعة

این کتاب در ۳۵۱ صفحه رقیعی از سوی منشورات الجمل بیروت - بغداد در سال ۲۰۰۹ م، منتشر شده است. نویسنده عنوان اثر را تألیف و ترجمه قرار داده است و در مقدمه می‌گوید چهار نوشته را ترجمه و یک نوشته را تلخیص کرده است. عناوین این پنج اثر چنین است:

۱. حدیث‌های خیالی (آیه الله الشیخ صالحی نجفی آبادی)،

۲. عرض اخبار اصول (تألیف السيد ابو الفضل ابن الرضا)،^{۲۳}
۳. زیارت و زیارت نامه (تألیف حیدر علی قلمداران)،
۴. نقد کتب حدیث (للسید مصطفی الطباطبایی)،
۵. الموضوعات في الاخبار والآثار (العلامة السيد هاشم معروف الحسني).
- کتاب در چهار فصل سازمان دهی شده که عناوین آن بدین شرح است:
- الفصل الأول: نقد کتب الحدیث
- الأخبار التي تدل على جعل الاحاديث
- الشيخ الكليني و كتابه الكافي،
- الشيخ الصدوق و كتبه،
- العلامة المجلسي،
- الحر العاملي و مصنفاته.
- الفصل الثاني: نقد احاديث التفسير والزيارة
- نقد احاديث التفسير،
- نقد كتب الدعاء والزيارة.
- الفصل الثالث: دراسات في نقد الحدیث
- المقالة (۱): قراءة نقدية للأحاديث،
- المقالة (۲): أحاديث موهومة في تفسير «مجمع البيان»،
- المقالة (۳): أحاديث موهومة في كتب أخرى،
- الفصل الرابع: الموضوعات في الأخبار والآثار.
- متأسفانه نویسنده دقیقاً آثار ترجمه شده و مقدار و محل آن را مشخص نکرده است.
- با بررسی و مطالعه ای که انجام گرفت، معلوم شد که فصل اول و دوم ترجمه کتاب نقد کتب حدیث، اثر سید مصطفی حسینی طباطبایی است که در شماره ۱۱ معرفی شد.
- فصل سوم، ترجمه سه مقاله است که مقاله دوم ترجمه احادیث خیالی در مجمع البیان نوشته مرحوم نعمت الله صالحی نجف آبادی است که در شماره ۹ معرفی شد و مقاله اول و سوم مشخص نشد از چه کتابی اخذ و ترجمه شده است.
- فصل چهارم نیز تلخیص کتاب الموضوعات في الاخبار والآثار اثر هاشم معروف

۲۳. نام خانوادگی شناسنامه ای ایشان، سید ابو الفضل برقی است که پیش از این به آثارش اشاره شد.

الحسنی است.

یادآوری می‌شود که این اثر، پیش از این تاریخ در سلسله *ثقافة اسلامية معاصرة* (۳) با همین عنوان و بدون ناشر و تاریخ نشر و احتمالاً در ایران تکثیر شده بود.

۱۵. وضع و نقد حدیث

این کتاب در سال ۱۳۸۸ش، از سوی سازمان مطالعه و تدوین سمت و دانشکده حدیث منتشر شده است.

کتاب به زبان فارسی و دارای ۳۱۸ صفحه وزیری و حاوی دو بخش: وضع حدیث و نقد حدیث است.

در بخش نقد حدیث این فصول به چشم می‌خورد:

۱. کلیات،
 ۲. تاریخچه وضع حدیث،
 ۳. انگیزه‌های وضع حدیث،
 ۴. شیوه‌ها و قالب‌های وضع.
- و بخش دوم دارای این عناوین است:
۱. کلیات،
 ۲. پیشنهاد نقد حدیث،
 ۳. نقد بیرونی،
 ۴. نقد درونی،
 ۵. دستاوردها و آسیب‌های نقد حدیث.
- قالب کتاب به صورت متن درسی تنظیم شده و در پایان هر فصل یا گفتار، چکیده و پرسش و پژوهش دارد.
- روش کتاب پرداختن به مباحث تئوری و نظری در دو حوزه وضع حدیث و نقد حدیث است که با مثال‌ها و نمونه‌هایی توضیح داده شده است. غالب مثال‌ها و نمونه‌ها از مصادر و منابع اهل سنت آورده شده است.

دو. تحلیل موضوعات نگاری در شیعه

برای تحلیل موضوعات نگاری در شیعه حداقل دو مسأله باید مد نظر قرار گیرد: یکی گروه‌بندی این آثار از نظر روش و طرز فکر نویسندگان و دیگری اندک بودن آثار مربوط به

الموضوعات در شیعه در مقایسه با اهل سنت. اینک این دو مطلب را به بحث می‌گذاریم:

الف. گروه‌بندی آثار الموضوعات در شیعه

پانزده اثر معرفی شده را در سه گروه می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. نوشته‌های عالمان شیعه در باب الموضوعات در اهل سنت شماره‌های ۱، ۲، ۴، ۵ و

۱۰؛

۲. بحث‌های تئوری درباره الموضوعات شماره‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۵؛

۳. استخراج احادیث موضوع و ضعیف در شیعه، شماره‌های ۳، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱ و ۱۴.

از میان این سه گروه آنچه مستقیماً به گردآوری الموضوعات در شیعه مرتبط است، گروه سوم است. از میان این هفت اثر، پنج اثر (شماره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۱ و ۱۴) آن را افرادی نوشته‌اند که در جامعه سنتی شیعه از مقبولیت فکری نداشته و برخی آنان را «تجدید نظر طلب در عقاید شیعه» معرفی کرده‌اند.^{۲۴}

در حقیقت دو اثر می‌ماند که نویسندگان آن از پایگاه سنتی برخوردارند. یعنی کتاب *الأخبار الدخيلة والموضوعات في الأخبار والآثار*. نیمی از کتاب دوم نیز، چنان که در معرفی اش گذشت، به منابع اهل سنت اختصاص دارد.

ب. عوامل عدم اهتمام جدی شیعه به نگارش «الموضوعات»

حال این پرسش خودنمایی می‌کند که سبب کمی و نیز تأخیر در نگارش الموضوعات در شیعه چیست؟ این پرسش تاکنون مورد بررسی و کاوش محققان و پژوهشگران قرار نگرفته است و آنچه به عنوان پاسخ مطرح می‌شود، از لا به لای کلمات محققان شیعی

۲۴. در کتاب‌های جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، فصل هشتم، صفحه ۱۰۱۱ تا ۱۰۹۷ از چاپ سیزدهم با عنوان «جریان‌های تجدیدنظر طلب در عقاید شیعه» به معرفی افکار و اندیشه‌های پانزده نفر پرداخته است که حیدر علی قلمداران، سید ابو الفضل برقی، مصطفی حسینی طباطبایی و نعمت الله صالحی نجف آبادی از آن جمله‌اند و تنها سید احمد قیانچی - که مربوط به دوره‌های اخیر است - در آن مجموعه نیامده است. نویسنده این افراد را با این اوصاف (ص ۱۰۱۳ - ۱۰۱۵) معرفی می‌کند:

- فاصله گرفته از مرجعیت رسمی دینی و روحانیت در بُعد فکری و دین شناسانه و عدم پذیرش رهبری آنان،
- تأثیرپذیری از نگرش وهابی،
- تأثیرپذیری از خردورزی غربی،
- قرآن‌گرایی و بی‌اعتنایی به حدیث،
- ایجاد مناسبات مخصوص میان خود و مریدها و نوعی فرقه سازی.

استخراج شده و یا حدس هایی است که قابل طرح و تأمل است. به نظر می رسد بتوان به این علل و عوامل اشاره کرد:

۱. کتابت حدیث در شیعه و مراقبت امامان و محدثان

حدیث شیعه به جهت عدم منع کتابت در قرون نخستین و نیز مراقبت امامان - علیهم السلام - در دوره های بعد و شاگردان آنها از آسیب ها و آفت ها مصون مانده است. به سخن دیگر، رواج کتابت در دوره حضور معصومان - علیهم السلام - و نیز مراقبت پیشوایان برای نقل حدیث، مسأله عرضه احادیث و کتب بر امامان و تلاش گسترده محدثان در دوره تدوین رسمی سبب شده آفت هایی که گریبان گیر حدیث اهل سنت شده، در حدیث شیعه یافت نمی شود؛ یعنی احادیث جعلی و ساختگی در دوره تدوین از منابع و کتب حدیثی پالایش شده است.

محقق بحرانی در مقدمه کتاب *الحداثی الناظره* می گوید:

فان جل الاختلاف الواقع فی اخبارنا بل كله عند التأمل والتحقیق إنما نشأ من التقیة و من هنا دخلت الشبهة علی جمهور متأخري اصحابنا - رضوان الله علیهم - فظنوا ان هذا الاختلاف إنما نشأ من دس أخبار الكذب فی اخبارنا، فوضعوا هذا الاصطلاح لیمیزوا به صحیحها عن سقیمها و غثها من سمینها، و قوی الشبهة فیما ذهبوا الیه شیئان: (أحدهما) رواية مخالف المذهب و ظاهر الفسق و المشهور بالكذب من فطحی و واقفی و زیدی و عامی و كذاب و غال و نحوهم. و (ثانیهما) ما ورد عنهم - علیهم السلام - من ان لكل رجل منا رجلاً يكذب علیه و امثاله مما يدل علی دس بعض الأخبار الكاذبة فی احادیثهم - علیهم السلام -، و لم يتفطنوا نور الله ضرائحهم الی ان هذه الاحادیث التي بایدینا إنما وصلت الینا بعد أن سهرت العیون فی تصحیحها و ذابت الأبدان فی تنقیحها، و قطعوا فی تحصیلها من معادنها البلدان، و هجروا فی تنقیحها الأولاد و النسوان، كما لا یخفی علی من تتبع السیر و الأخبار، و طالع الكتب المدونة فی تلك الآثار، فان المستفاد منها - علی وجه لا یزاحمه الريب و لا یدخله القدح و العیب - انه كان دأب قدماء اصحابنا المعاصرين لهم - علیهم السلام - الی وقت المحمدين الثلاثة فی مدة تزيد علی ثلثمائة سنة ضبط الاحادیث و تدوینها فی مجالس الأئمة - علیهم السلام - و المسارعة الی اثبات ما یسمعونه خوفاً من تطرق السهو و النسیان، و عرض ذلك علیهم، و قد صنفتوا تلك الاصول الأربعمائة المنقولة كلها من اجوبتهم - علیهم السلام - و انهم ما كانوا یستحلون رواية ما لم یجزموا بصحته. و قد روى أنه عرض علی الصادق علیه السلام کتاب عبید الله بن علی الحلبي فاستحسنه و صححه، و علی العسکری - علیه السلام - کتاب یونس بن عبد الرحمن و کتاب

الفضل بن شاذان فائنی علیهما. و كانوا - عليهم السلام - يوقفون شيعتهم على أحوال أولئك الكذابين، ويأمرونهم بمجانبتهم، و عرض ما يرد من جهتهم على الكتاب العزيز و السنة النبوية و ترك ما خالفهما ...^{٢٥}

... فهل يجوز في العقول السليمة و الطباع المستقيمة ان مثل هؤلاء الثقات العدول إذا سمعوا من أئمتهم مثل هذا الكلام ان يستحلوا بعد ذلك نقل ما لا يثقون بصحته و لا يعتمدون على حقيقته. بل من المقطوع و المعلوم عادة من أمثالهم انهم لا يذكرون و لا يروون في مصنفاتهم إلا ما اتضح لهم فيه الحال، و انه في الصدق و الاشتهار كالشمس في رابعة النهار كما سمعت من حال يونس، و هذا كان دأبهم - عليهم السلام - في الهداية لشيعتهم. يوقفونهم على جميع ما وقع و ما عسى أن يقع في الشريعة من تغيير و تبديل، لانهم - صلوات الله عليهم - حفاظ الشريعة و حملتها و ضباطها و حرسها. و لهم نواب فيها من ثقات اصحابهم و خواص روايتهم، يوحون اليهم أسرار الاحكام، و يوقفونهم على غوامض كل حلال و حرام، كما قد روى ذلك باسانيد عديدة، على ان المفهوم من جملة من تلك الأخبار ان تلك الاحاديث المكذوبة كلها كانت من أحاديث الكفر و الزندقة و الاخبار بالغرائب ...^{٢٦}

... على ان مقتضى الحكمة الربانية و شفقة الائمة - صلوات الله عليهم - على من في اصلاب الرجال من شيعتهم تمنع من ان يتركوهم هملاً يمشون على غير طريق واضح و لا منار لائح. فلا يميزون لهم الغث من السمين. و لا يهدونهم الى جادة الحق المبين. و لا يوقفونهم على ما يقع في الشريعة من تغيير و تبديل. و ما يحدثه الكذابون المفترون من البدع و التضليل، كلاثم كالا، بل اوضحوا الدين المبين نهاية الايضاح. و صفوه من شوب كل كدر، حتى اسفر كضوء الصباح. الا ترى الى ما ورد عنهم من حثهم شيعتهم على الكتابة لما يسمعون منه. و امرهم بحفظ الكتب لمن يأتي بعدهم. كما ورد في جملة من الأخبار التي رواها ثقة الاسلام في جامعة الكافي و غيره في غيره. و الى تحذيرهم الشيعة عن مداخله كل من اظهر البدع و امرهم بمجانبتهم، و تعريفهم لهم باعيانهم، كما عرفت فيما تلونا من الاخبار؛^{٢٧}

عمده دليل اختلاف و تعارض در روايات شيعة، بلکه تنها دليل آن مسأله تقيه است. [پنهان ماندن اين نکته] بر بسياری از عالمان متأخر شيعة سبب شده كه گمان بزند اين اختلاف و تعارض به خاطر وقوع كذب و جعل در روايات است. از اين رو، اصطلاحاتی ساختند برای تشخيص روايات درست از نادرست و آنچه اين شبهه را نزد آنان تقويت کرده دو امر است: یکی وجود

٢٥. الحدائق الناضرة، ج ١، ص ٩ - ٨.

٢٦. همان، ص ١١ - ١٠.

٢٧. الحدائق الناضرة، ج ١، ص ١٢ - ١١.

راویان عامی و فاسق و یا عقاید گوناگون در سلسله اسناد احادیث شیعه و دیگری استناد به روایت‌های منقول از ائمه که افرادی بر ما دروغ بستند. ولی این عالمان توجه نکرده‌اند که این روایات با زحمت‌های طاقت‌فرسا، شب‌نخوابی، رنجوری، سفرهای بسیار و دوری از خانمان به دست ما رسیده است. و کسی که بر تاریخ حدیث شیعه واقف گردد بدین نکات دست می‌یابد. چرا که اگر کسی درست به تاریخ حدیث شیعه بنگرد و سیصد و اندی سال تا دوران کلینی و صدوق را ملاحظه کند، در می‌یابد که شیوه و رسم عالمان شیعه ضبط و نوشتن احادیث در جلسات ائمه بوده است و سپس آنها را بر امامان عرضه می‌داشتند و پس از این تدوین و عرضه، اصول چهارصدگانه را تألیف کردند. آنان روایتی را که بدان جزم نداشته، نقلش را حلال و جایز نمی‌دانستند.

در گزارش‌های تاریخی آمده است که عبید الله بن علی حلبی کتابش را بر امام صادق - علیه السلام - عرضه داشت و حضرت صادق - علیه السلام - آن را تحسین و تصحیح فرمود و نیز کتاب یونس بن عبد الرحمان و فضل بن شاذان بر امام عسکری - علیه السلام - عرضه شد. و ایشان آن دو کتاب را ستودند. از سوی دیگر، امامان شیعه شاگردان و اصحاب خود را با راویان دروغ‌گو آشنا ساخته و به آنها دستور می‌دادند روایت این گروه از افراد را به کتاب و سنت عرضه دارند و آنچه را مخالف بود رها سازند ...

آیا عقل سالم و سرشت پاک می‌پذیرد که این عالمان و راویان ثقه با این همه تأکید از سوی پیشوایان خود به نقل روایت‌های غیرموثوق بپردازند؟ بلکه آنان آنچه را که مانند روز روشن بود نقل کرده و در آثار خود ثبت می‌کردند. امامان، شیعیان را از رخداد‌های زمان حال و زمان‌های آینده آگاه می‌ساختند و علاوه شاگردان خاص و ویژه و صاحبان سر داشتند که نکات لازم را به آنها گوشزد می‌فرمودند. علاوه آن که احادیث دروغ در محدوده احادیث کفرآمیز و عجیب و غریب بود ...

... از سوی دیگر، حکمت ربانی و شفقت و مهربانی و لطف ائمه به شیعیان، مانع از آن می‌شود که پیروان ائمه به راه کج روند و نتوانند درست و غلط را تشخیص دهند. و نیز از دس و جعل بدخواهان مطلع و آگاه نشوند. هرگز! هرگز! بلکه ائمه راه روشن را به شیعیان نشان داده و آنان را به کتابت واداشتند و از بدعت‌ها پرهیز داده و بدعت‌گذاران را به آنان شناساندند.

۲. قَلت نزاع‌های درون مذهبی در شیعه

بررسی نگارش‌های الموضوعات در اهل سنت نشان می‌دهد که یکی از عوامل کثرت نگارش الموضوعات، نزاع‌های مذهبی در میان آنان است؛ یعنی درگیری و نزاع‌های مذاهب فقهی و کلامی سبب شده که در نقد و تضعیف آثار یکدیگر بکوشند. این امر را در مقاله‌ای که در همین مجله در تحلیل الموضوعات اهل سنت به چاپ رسید، نشان داده‌ام.^{۲۸} آثار نگارش شده در زمینه الموضوعات از سوی شافعی‌ها بیست اثر، حنفی‌ها دوازده اثر و سلفی‌ها و حنبلی‌ها نوزده اثر بوده است.

از آن رو که چنین نزاع‌هایی در شیعه بسیار اندک بوده و اساسی و ریشه‌دار نبوده است، بروز و ظهوری در زمینه موضوعات نگاری نداشته است.

۳. انضمام احادیث ضعیف به الموضوعات

یکی از عوامل حجیم شدن الموضوعات در اهل سنت ضمیمه ساختن احادیث ضعیف به احادیث موضوع است.

اگر به دو موسوعه بزرگ در میان اهل سنت - که در دوره معاصر تدوین شده - بنگریم، نام آنها گویای این امر است:

کتاب ناصرالدین البانی در نه مجلد با عنوان *موسوعة الاحادیث الضعیفة والموضوعة* منتشر شده است و کتاب پانزده جلدی دیگر با عنوان *موسوعة الاحادیث والآثار الضعیفة و الموضوعة* به چاپ رسیده است.

آنچه به عنوان الموضوعات در شیعه نگارش شده، فقط اختصاص به وضع و جعل داشته است و گر نه اگر بنا باشد احادیث ضعیف گردآوری شود، آماری گسترده به دست خواهد آمد. علامه مجلسی در *مرآت العقول* - که شرحی بر *الکافی* کلینی است - در ذیل هر حدیث وضعیت سند هر روایت را بر اساس مشی مشهور عالمان رجالی تبیین کرده است و حدود نه هزار حدیث را تضعیف کرده است. به عبارت دیگر، نسبت میان ضعیف و موضع عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر حدیث موضوعی ضعیف است، ولی هر ضعیفی موضوع نیست؛ زیرا ضعیف آن است که درستی اش را احراز نکرده‌ایم و ممکن است در واقع درست باشد، ولی موضوع آن است که کذب و دروغ بودنش را احراز کرده‌ایم. به همین جهت، عالمان درایه نقل حدیث موضوع را حرام می‌دانند، ولی نقل حدیث ضعیف حرام

۲۸. علوم حدیث، ش ۴۹ - ۵۰، ص ۳۹۵ - ۳۹۶.

نیست.

۴. خودسانسوری فرهنگی

به نظر می‌رسد یکی از علل و اسباب این پدیده، ذهنیت فرهنگی عالمان شیعه باشد؛ بدین معنا که آنان با توجه به اقلیت بودن شیعه نسبت به اهل سنت و برخورداری جامعه سنی از حمایت‌های سیاسی و اجتماعی نظام‌های سیاسی در ادوار مختلف تاریخ، تصمیم گرفته‌اند که به بیان ضعف‌ها نپرداخته و بهانه‌ای به دست رقیب ندهند. به تعبیر دیگر، رقیب قدرتمند در کمین خرده‌گیری و نقد آنان است. تا آنجا که ابن تیمیه کتاب هشتم جلدی *منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة* را می‌نویسد.^{۲۹} از این رو، دیگر عقلایی نیست که توان خود را برای بر ملا ساختن پاره‌ای عیب‌ها و نقطه ضعف به رقیب دادن مصروف کنیم.

۵. کمی تعداد و امکانات شیعه

شاید بتوان کمی جمعیت شیعه در مقایسه با اهل سنت و نیز کمی امکانات و برخورداری‌ها را یکی از دیگر عوامل به حساب آورد. همین مطلب را از منظر دیگر می‌توان چنین تبیین کرد. تمرکز شیعه بیشتر در ایران، عراق و لبنان بوده است که از میان این‌ها پایگاه اصلی ایران است. اما اهل سنت از شمال آفریقا گرفته تا غرب اسلامی و منطقه شامات و کشورهای آسیای میانه و... پراکندگی جغرافیایی و اقلیمی دارند. این تنوع اقلیمی و فرهنگی به همراه کثرت جمعیت و امکانات سیاسی اجتماعی می‌تواند یکی از علل و عوامل کثرت موضوعات نگاری در میان آنان باشد؛ به عنوان نمونه در مصر یازده اثر، در دمشق ۲۲ اثر، در یمن یک اثر، در هند دو اثر و در تونس سه اثر در زمینه الموضوعات نگارش شده است. *تعالی جامع علوم انسانی* گفتنی است این نوشته را باید گام اول در تحلیل موضوعات نگاری در شیعه تلقی کرد و برای یافتن شواهد بیشتر و یا عوامل دیگر باید در انتظار پژوهش‌های دیگر بود.

۲۹. برای آگاهی از رده‌های اهل سنت بر شیعه در ادوار مختلف رک: «موقف الشیعة من هجمات الخصوم»، السید عزیز الطباطبایی، مجله *تراثنا*، ش ۶، ص ۳۲ - ۶۱.

کتابنامه

- الارض والتربة الحسينيه، محمد حسين آل كاشف الغطاء، قم: المجمع العالمي اهل بيت عليهم السلام، ۱۹۹۵م.
- الاعتقادات في دين الإمامية، ابو جعفر محمد بن علي بن حسين بن بابويه، معروف به شيخ صدوق (م ۳۸۱ق)، تحقيق: عصام عبد سيد، بيروت: دار المفيد، دوم ۱۴۱۴ق.
- الامالى في التفسير والحديث والادب، علي بن حسين علم الهدى (م ۴۳۶ق).
- أنوار الهداية في التعليقة على الكفاية، روح الله موسى خميني (م ۱۳۶۸ش)، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ۱۳۷۲ش.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسي (م ۱۱۱۱ق)، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
- تصحيح الاعتقاد (جلد ۵ مصنفات الشيخ المفيد). أبو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان عكبري (الشيخ المفيد) (م ۴۱۳ق)، تحقيق: عصام عبد السيد حسين درگاهی، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، اول، ۱۴۱۳ق.
- التهذيب (تهذيب الأحكام في شرح المقنعة)، أبو جعفر محمد بن حسن طوسي (م ۴۶۰ق)، بيروت: دارالتعارف، اول، ۱۴۰۱ق.
- جامع الشتات، ميرزا ابوالقاسم قمی، تهران: محمد مهدي خوانساری، ۱۳۲۴ق (چاپ سنگی).
- جريانها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران، رسول جعفریان. تهران: مركز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ش.
- الحدائق الناضرة، يوسف بحرانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۹ق.
- الحديث النبوي بين الرواية والدراية، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۴۳۰ق.
- حديث های خیالی در تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، به کوشش: نعمت الله صالحی نجف آبادی، تهران: نشر کویر، ۱۳۸۲ش.
- خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، علامه حسن بن يوسف حلی، تحقيق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- رجال ابن داوود، حسن بن علی بن داوود حلی (م ۷۴۰ق)، تحقيق: سيد محمد صادق آل بحر العلوم، نجف اشرف: منشورات مطبعة الحيدرية، ۱۳۹۲ق.
- الغدير في الكتاب والسنة والادب، عبد الحسين بن احمد اميني (م ۱۳۹۰ق)، قم: مركز

- الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۵م.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد القیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- کتاب البیع، امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ق.
- کسر الصنم، ابوالفضل برقی، ترجمه: عبدالرحیم ملازاده بلوشی، اردن: دار البیارق، ۱۹۹۸م / ۱۴۱۹ق / ۱۳۷۷ش.
- مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، زین الدین بن علی شهید ثانی، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۲۳- ۱۴۱۳ق.
- معجم رجال الحدیث، سید ابو القاسم موسوی خویی (م ۱۴۱۱ق). پنجم، ۱۴۱۳ق.
- کتاب من لا یحضره الفقیه، أبو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.
- الموضوعات فی الآثار والایخبار، هاشم معروف حسنی (م ۱۹۸۴م)، ۱۴۲۹ق.
- الوافی، محمد محسن بن شاه مرتضی (فیض کاشانی) (م ۱۰۹۱ق.)، تحقیق: ضیاء الدین حسین اصفهانی، اصفهان: مکتبه الامام امیر المومنین علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
- «موقف الشیعة من هجمات النصوص»، سید عزیز طباطبایی، مجله تراثنا، ش ۶، ص ۳۲- ۶۱.